

تاکنون در تاریخ بشر پرسشی ژرفتر از این که مستلزم جواب باشد عنوان نگردیده است: «آیا خدایی وجود دارد؟» این سؤالی است که هر انسان باید برای آن جوابی بیابد و این جواب بر بسیاری چیزها دلالت خواهد نمود. مارتینر آدلر (1). راجع به خدا در کتاب «عقاید عالی» مبحثی دارد و خودش در مورد این مبحث معتقد است در آن مبحث، تمام نویسندگان کتاب‌های معروف به استثنای برخی از ریاضیدانان و فیزیکدانان معرفی شده‌اند. این قسمت چه از نظر تعداد مأخذ و چه از نظر تنوع مطالب طولانی‌ترین فصل کتاب می‌باشد. دلیل این امر بسیار روشن است، اغلب برداشت‌های فکری و عملی بستگی به موضوع قبول یا رد وجود خدا دارد تا با موضوعات دیگر. وی سپس به شرح جنبه‌های علمی آن می‌پردازد. «مسئله کلی حیات بشر از این امر ناشی می‌شود که آیا انسان خود را وجود برتر هستی می‌داند یا به وجودی که مافوق او هست اعتقاد دارد و او را مورد تکریم یا محبت قرار می‌دهد؟ و اگر وجودی مافوق است آیا باید به مقابله در او درآمد یا در مقابلش سر تعظیم فرود آورد؟ در بین کسانی که به قدرت مافوق اعتقاد دارند این امر حائز اهمیت است که آیا این نیروی برتر فقط اسمش خداست، وجود فلسفی یا این که خدای زنده‌ای است که انسان او را با اعمال پرهیزکارانه و رسومات مذهبی می‌پرسند.» (2).